

بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش محله‌ای جمعیت‌ها در دو بافت منتخب شمالی و جنوبی شهر تهران

سیدرضا معینی^۱، تکتم هادیزاده^{۲*}

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

۲- کارشناس ارشد گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

چکیده

با توجه به نقش و اهمیت محلات در مطالعات توسعه پایدار شهری، مساله گرایش‌های جمعیتی به زندگی در محله‌های شهری تحت تاثیر عوامل اجتماعی، در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. از آنجایی که محله‌های شهری مهم ترین عناصر اجتماعی یک شهر محسوب می‌شوند نقش مهمی در روند رو به رشد شهرها دارند. محله بیش از آنکه یک عنصر فیزیکی در شهر باشد یک بافت اجتماعی است که از نظر فضایی توسط ساکنان آن درک و مشخص می‌شود و محل ایجاد ارتباط متقابل و هویت یابی مشترک میان شهروندان است. قدرت هر محله تابع تجانس اجتماعی ساکنان آن است به گونه‌ای که همسانی و شباهت در نوع زندگی، موجب نزدیک شدن و شناسایی متقابل افراد و احساس تعلق به گروه معین می‌شود. این سوال اساسی که «چه عوامل اجتماعی بر گرایش محله‌ای جمعیت‌ها نقش دارند» مساله اصلی در پژوهش حاضر می‌باشد. احساس گرایش محله‌ای بر اساس شاخص حس تعلق و همبستگی در نظر گرفته شده و به عنوان متغیر وابسته مورد سنجش و در رابطه با سایر متغیرها (متغیرهای

مستقل) قرار گرفته است. عوامل اجتماعی که بر این گرایش و حس تعلق موثر فرض شده‌اند، متغیرهای سبک زندگی، پایگاه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی می‌باشد. این فرض در نظر گرفته شده است که هر یک از متغیرهای فوق در رابطه با حس تعلق و گرایش محله‌ای هستند و بر انتخاب ساکنان به عنوان محل سکونت دخیل بوده‌اند. برای انجام پژوهش حاضر و آزمون فرضیات از روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای و در مرحله بعد از روش پیمایشی با ابزار پرسشنامه استفاده شده است. نتایج و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین ارتباط معنادار و وجود همبستگی بین سبک زندگی و پایگاه اجتماعی افراد با حس تعلق و گرایش به محل زندگی بوده است. با توجه به اینکه پژوهش حاضر به صورت مطالعه تطبیقی میان دو منطقه ۱ (شمالی) و منطقه ۱۶ (جنوبی) شهر تهران صورت گرفته است، مقایسه میانگین نتایج دو منطقه وجود تفاوت معنادار میان عوامل اجتماعی مورد بررسی به عنوان شاخص‌های تاثیر گذار بر گرایش محله‌ای را نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: شهر، توسعه پایدار شهری، محله، محله گرایی، تعلق اجتماعی، جمعیت، پایگاه اجتماعی، سبک زندگی، امنیت اجتماعی.

مقدمه و بیان مسأله

شهر در یک تعریف عام، زیستگاهی است انسان ساخت و در زیر یک قدرت سیاسی مشخص، که تمرکز جمعیتی نسبتاً پایداری را درون خود جای می‌دهد، فضاهایی ویژه براساس تخصص‌های حرفه‌ای به وجود می‌آورد، تفکیکی کمابیش مشخص و فزاینده میان بافت‌های مسکونی و بافت‌های کاری ایجاد می‌کند و فرهنگی خاص را به مثابه حاصلی از روابط درونی خویش پدید می‌آورد که درون خود خرده فرهنگ‌های بیشماری را حمل می‌کند. (فکوهی، ۱۳۸۶: ۲۹). امروزه رشد بی‌رویه شهرها در نتیجه صنعتی شدن و هجوم ناموزون مهاجران به شهرهای بزرگ به برهم خوردن تعادل در روابط اجتماعی و انسانی بین شهرها و ساکنان آنها منجر شده است. مشکلات و آسیب‌های ناشی از این عدم توازن به صورت تعارض میان زندگی سنتی و مدرن، روابط غیر شخصی و همبستگی قومی، امنیت و ناامنی اجتماعی به تدریج در زندگی جدید شهری نمایان شده است. در کشورهای در حال توسعه به دلیل وجود

میزان بالای نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی، این عدم تعادل در فضای شهری به طور تاثیر گذارتری آشکار است. به گونه‌ای که توجه برنامه ریزان شهری و جمعیت شناسان و جامعه شناسان را به مطالعه در جهت نیاز به حل مشکلات شهری در جوامع در حال توسعه ترغیب کرده است. از این رو بحث توسعه پایدار شهری^۱ با توجه به شاخص‌های اقتصادی، محیطی و اجتماعی مورد توجه و اهمیت بسیار قرار گرفته است. از مسائل مهمی که در بحث توسعه پایدار شهری مورد توجه قرار گرفته، تراکم و چگونگی پراکنش در شهرها است. هماهنگی میان پراکنش و چگونگی توزیع جمعیت با عامل توزیع خدمات در ارتباط متقابل است. در واقع توزیع منطقی و سازگار خدمات عامل تاثیر گذاری بر پراکنش جمعیت در شهرها است. که منظور از آن توزیع بهینه امکانات اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی و به ویژه توسعه اجتماعی را شامل می‌شود. از این رو توجه به عناصر اجتماعی که بر توزیع فضایی جمعیت‌ها موثر هستند به عنوان مساله مهم در توسعه پایدار شهری از نگاه جمعیت شناختی و جامعه شناختی در نظر گرفته می‌شوند. همچنین در جوامع امروزی مسایل محیط شهری مورد توجه و اهمیت بسیاری قرار گرفته است. هر چند امروزه احداث شهرهای جدید براساس نیاز به اسکان جمعیت است، اما در گذشته ابتدا عوامل طبیعی بر ایجاد و در ادامه عوامل اجتماعی بر گسترش و رشد آنها نقش داشته‌اند و در نتیجه به تراکم و پراکنش جمعیت‌ها و شکل گیری و گسترش محله‌ها منجر می‌شدند. مفهوم محله شهری در برخورد نخست تداعی کننده حوزه جغرافیایی پیچیده در شبکه فضایی شهر است که دارای کاربری در درجه نخست مسکونی و آنگاه انواع دیگر از کاربری‌های اداری، تجاری، خدماتی و مانند آن است. واقعیت جامعه شناختی محله به مراتب پیچیده تر است. به نظر جامعه‌شناسان، معرف‌های سنتی محله با واحد حیات جمعی و جامعه پذیری در ارتباط است. این رویکرد، به طرح خدمات روزانه حیات اجتماعی شهروندان با اشکال سنتی روستا و غیره توجه خاص دارد. در نتیجه بسیاری از شهرها، بر محله‌های حرفه‌ای با اشکال سازمانی به شکل مطلوب تاکید دارند (ربانی، ۱۳۸۲: ۱۵۴).

از مهمترین عناصر اجتماعی یک شهر، محله‌ها هستند که نقش مهمی در روند رو به رشد شهرها دارند. محله‌ها در گذشته بنیان شکل گیری شهرها بوده‌اند. بدین گونه که ابتدای زندگی

جمعی به صورت اجتماع محلی شکل می‌گرفته و سپس با گسترش شهرها این اجتماعات کوچک به شهر تبدیل می‌شده‌اند. محله صرفاً یک عنصر فیزیکی در شهر نیست و بیش از هر چیز محله‌ها یک بافت اجتماعی محسوب می‌شوند. این بافت اجتماعی سایر عناصر شهر را نیز در برمی‌گیرد که مهمترین آن شهروندان هستند. محلات واحدهایی از نظر فضایی مشخص هستند که محدوده‌های آن تنها به وسیله ساکنان آن درک و مشخص می‌شود، وجود تشابهات و اشتراکات، گرایش‌های خانوادگی و خویشاوندی، افراد را برای حمایت و تأمین امنیت و نیازهای یکدیگر در مجاورت هم قرار داده و محله منشأ اجتماعی شدن است، مردم از طریق استقرار در این محلات باهم ارتباط برقرار کرده و هویت مشترک می‌یابند (معصومی، ۱۳۹۰: ۲۵). این مسأله که محله‌ها و مشکلات محیطی اجتماعی چه نقشی در توسعه پایدار شهری خواهند داشت، موضوعی است که برنامه ریزان شهری و محققان اجتماعی به بررسی و تدقیق در آن پرداخته‌اند. از آن جایی که شکل‌گیری شهر و توسعه محله‌های شهر بدون توجه به نیازهای شهروندان و جمعیت ساکن در آن محله‌ها به شکل مطلوب امکان‌پذیر نخواهد بود، بنابراین در فرایند توسعه محیط شهری توجه به عوامل اجتماعی موثر بر تراکم جمعیت در یک محل می‌تواند در برنامه ریزی‌های شهری موثر باشد. این سوال اساسی که «چه عوامل اجتماعی بر گرایش محله‌ای جمعیت نقش دارد» مسأله اصلی در این پژوهش است. در گذشته علل تراکم جمعیت در یک منطقه که ابتدا به صورت محله بوده و سپس به شهر تبدیل می‌شده عوامل فیزیکی شامل عوامل جغرافیایی، آب و هوایی، شرایط و امکانات مهم زیستی بوده، اما امروزه علل تراکم و جذب جمعیت در بعضی مناطق که باعث ایجاد یک محله در شهر می‌شود به عوامل اجتماعی بستگی زیاد دارد؛ هر چقدر که یک محله در تأمین نیازهای اجتماعی اقتصادی فرهنگی آموزشی و مذهبی افراد آن اجتماع محلی موفق‌تر باشد با جذب جمعیت بیشتری رو به رو خواهد بود. از آن جایی که جذب جمعیت منجر به تراکم جمعیت که همان «ارتباط فیزیکی رو به تزاید» است می‌شود و در نهایت به برخوردها و تنش‌های اجتماعی منجر می‌گردد، از دید جمعیت‌شناسان و محققان جمعیتی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین محله بیش از آنکه محدود به ابعاد فیزیکی مشخص باشد، یک عنصر اجتماعی است که هم اکنون ابعاد انسانی آن بیش از پیش مورد توجه برنامه ریزان و طراحان شهری قرار گرفته است.

بنابراین در این پژوهش دغدغه محققان توجه به آن عناصر و عوامل اجتماعی است که با گرایش محله‌ای جمعیت (گرایش افراد به زندگی در یک محله) در ارتباط است. عوامل و عناصری که ابتدا باعث شکل‌گیری اجتماعات محلی و در مرحله بعد منجر به افزایش جمعیت و ابعاد اجتماعی آن محلات شده است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

یکی از مهمترین اهداف برنامه ریزان شهری در شهرها رسیدن به وضعیتی است که انواع امکانات و فضاهای شهری به اندازه کافی و به نحوه مطلوب در دسترس شهروندان قرار گیرد و آنان با کمترین مشکل به انواع امکانات شهری دسترسی داشته باشند. حصول این امر، با ایجاد تعادل منطقی بین جمعیت و امکانات صورت می‌گیرد. تراکم بیش از حد جمعیت در بخشی از شهر این تعادل را از بین می‌برد. افزایش جمعیت و به تبع آن افزایش معضلات اجتماعی منجر به افزایش جرم و آسیب‌های اجتماعی در جوامع انسانی شده است. وجود مهاجرانی با فرهنگ‌ها و نژادهای مختلف، اختلافات طبقاتی و ... می‌تواند زمینه ساز افزایش مشکلات اقتصادی، گرانی قیمت زمین و اجاره خانه، بزهکاری و جنایت، امکان مخاطرات بهداشتی و علاوه بر این؛ ایجاد سرو صدا و نارسایی‌های روانی در شهرها باشد. میزان جمعیت موجود در فضای شهری می‌تواند در بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی موثر باشد. تراکم جمعیت زیاد در یک مکان عمومی اگرچه در بعضی اوقات بر میزان حضور افراد و امنیت محیط اثر گذار است، ولی در مواقعی دیگر باعث سلب آرامش و عدم حضور گروه‌های آسیب‌پذیر می‌شود. فضاهای متراکم از انبوه جمعیت ناآشنا و غریبه محیطی مساعد برای تخطی از قواعد و هنجارهای زندگی شهری را فراهم کرده و زمینه بزهکاری و جرم و جنایت را به وجود می‌آورد (رفعیان، ۲۱۷:۱۳۸۹). از آنجایی که افزایش جمعیت و شهرنشینی به عنوان پدیده‌ای فراگیر در صد سال اخیر، اکثر کشورهای توسعه یافته و کمتر توسعه یافته را در بر گرفته و امروزه این شهرها با تراکم جمعیت فرایندهای روبه‌رو هستند، توجه به چگونگی مدیریت شهرها برای توسعه پایدار شهری نقش حیاتی دارد. شهرها به عنوان بستر زندگی جمعی و محل فعالیت‌های سازمان یافته انسانی همواره مورد توجه خاص و ویژه بوده است. لذا توجه و

شناخت مسائل شهری از دغدغه‌های اندیشمندان و پژوهشگران علوم انسانی به شمار می‌رفته است. شهرهای امروزی به عنوان یکی از مهمترین دستاوردهای زندگی صنعتی شامل ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شوند که فضاهای مرتبط را نیز در چهره زندگی شهری نمایان ساخته‌اند. در فضای شهری، محله مهمترین بخش یک شهر را تشکیل می‌دهد. محله جایی است که بیشترین برخوردها و کنش‌های متقابل میان افراد (شهروندان) در آن روی می‌دهند. در واقع محله مجموعه‌ای از افراد است که به واسطه اشتراک در ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی دارای همبستگی و روابط متقابل هستند. از آن جایی که محله‌های شهری مکانی برای تعاملات و واکنش‌های اجتماعی هستند، از مهمترین وظایف آنها ایجاد بستر مناسب برای این ارتباطات و تعاملات است. با توجه به این نکته که شکل‌گیری محلات به چگونگی تجمع افرادی که آن مکان را به عنوان محل سکونت انتخاب کرده‌اند، بستگی دارد؛ بنابراین علل گرایش آن دسته از افراد در انتخاب یک منطقه به عنوان محل زندگی تحت تاثیر عوامل و شاخص‌های اجتماعی مختلف است. بنابراین گرایش به زندگی در یک محله و نقش عناصر اجتماعی بر آن که روی ترکیب جمعیتی و تراکم جمعیت محله یا محله‌های خاص نیز تاثیر می‌گذارد مهم است، چرا که عدم توجه به چگونگی توزیع جمعیت در محله‌های مختلف به خصوص آن‌هایی که دارای تفاوت آشکارند مانند (شمال و جنوب) باعث شکاف هر چه بیشتر بافت‌های محله‌ای می‌شوند. لذا دغدغه اصلی این است که چرا در بعضی محله‌ها تراکم جمعیت نسبت به محلات دیگر بیشتر است و چه عوامل اجتماعی در گرایش جمعیت به آن محله‌ها نقش دارند. توجه به این مسأله از این جهت دارای اهمیت است که با بررسی و شناخت این عوامل اجتماعی می‌توان نتیجه گرفت وجود و یا عدم وجود هر یک از این عوامل چه تاثیری در گرایش جمعیت به محله‌های شهری خواهند داشت.

هدف‌های تحقیق

هدف از انجام این تحقیق، دستیابی به تعریف مشخصی از گرایش‌های جمعیتی در زمینه‌ی انتخاب محله یا محلاتی خاص برای سکونت و هم‌چنین شناسایی عناصر و عوامل اجتماعی است که بر گرایش و تعلق محله‌ای جمعیت موثر بوده یا آن را تقویت می‌کند.

- هدف اصلی در این تحقیق بررسی و شناخت عوامل اجتماعی موثر بر گرایش محله‌ای جمعیت در دو محله شمال و جنوب شهر تهران است و به دنبال آن نیز اهداف فرعی زیر دنبال می‌شود.

- بررسی نقش پایگاه اجتماعی بر گرایش محله‌ای جمعیت
- بررسی نقش سبک زندگی بر گرایش محله‌ای جمعیت
- بررسی نقش احساس امنیت اجتماعی بر گرایش محله‌ای جمعیت.

ادبیات نظری پژوهش

- رابرت پارک؛ پهنه طبیعی

رابرت ازرا پارک، از جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو است. که پژوهشی گسترده بر شهر شیکاگو در سال ۱۹۱۶ انجام داد و به مطالعه انحرافات اجتماعی، حاشیه نشین‌ها، خرده فرهنگ‌های شهری، قدرت‌های محله‌ای، گتوهای شهری و ... پرداخت. از مفاهیمی که پارک در مطالعات خود مطرح کرد مفهوم «پهنه طبیعی» بود. پارک پهنه طبیعی شهری را بخشی از شهر (یک محله) می‌داند که بدون وجود طرحی از قبل پدید آمده باشد و کارکردی خاص در مجموعه شهری داشته باشد (فکوهی، ۱۳۸۶: ۱۸۳). جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو به شهر نگاهی بوم‌شناختی داشتند و معتقد بودند که استقرار سکونت‌گاه‌های بزرگ شهری و توزیع انواع مختلف محلات بر پایه اصول مشابهی است و عوامل و ویژگی‌هایی در رشد و گسترش مناطق و محله‌های شهری نقش دارند. بنابر نظر پارک (۱۹۵۲)؛ همین که شهر ایجاد گردید به نظر می‌رسد مکانیسم بزرگ برگزیننده‌ای است که به گونه‌ای خطا ناپذیر افرادی را که برای زندگی در منطقه خاصی یا محیط ویژه‌ای از همه مناسب‌ترند از میان جمعیت گزینش می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۶۰۶) پارک گسترش شهرها را از طریق فرآیندهای رقابت، تهاجم و جانیشینی تبیین می‌کرد. بر اساس نگاه بوم‌شناختی، زندگی شهری را با زندگی در محیط طبیعی مقایسه می‌کرد و رقابت بین انواع گوناگون موجودات و تعارض برای بقا را با جماعت‌های شهری که به شکل سرزمینی سازمان می‌یابند مقایسه می‌کرد. از نظر او با تهاجم انواع جدید، توازن موجود به هم می‌خورد و جانشین موجودات دیگر می‌شوند و در آخر با هدف به دست آوردن توازن از دست رفته و ایجاد نظم جدید، مفهوم استیلا و جایگزینی را مطرح می‌کند. پارک این

دیدگاه را با زندگی شهری و سکونت جماعت‌ها در محلات مقایسه می‌کند. الگوهای مکان‌یابی، حرکت و مکان‌یابی مجدد در شهرها، بر طبق دیدگاه بوم‌شناختی شکل‌مشابهی دارند. محلات مختلف در جریان تلاش ساکنان آنها در سازگار کردن خود با شرایط متغیر در امر تامین معاش به وجود می‌آید (گیدنز، ۱۳۷۶: ۶۰۷). پارک، شکل‌گیری تشکیل شهرها را به صورت حلقه‌ها (دوایر) متحدالمرکزی در نظر می‌گرفت که هر کدام به قطعاتی تقسیم می‌شدند. در مرکز، نواحی درون شهر قرار دارند، آمیزه‌ای از رونق ساختمان‌های بزرگ تجاری و خانه‌های شخصی قدیمی و در حال ویرانی. فراتر از این نواحی، محلات قدیمی‌تر قرار دارند که محل سکونت کارگران طبقه پایین و دارای مشاغل ثابت است. و سرانجام دورتر از آن حومه‌هایی هستند که در آن معمولاً گروه‌های پر درآمدتر زندگی می‌کنند. فرآیندهای تهاجم و جان‌نشینی در درون قطعات حلقه‌های متحدالمرکز رخ می‌دهند. بدین سان در حالی که املاک و مستغلات در یک ناحیه مرکزی رو به فرسودگی می‌روند، گروه‌های اقلیت ممکن است هجوم به آن ناحیه را آغاز کنند. با شروع این تهاجم، بیشتر جمعیتی که از قبل در آنجا زندگی می‌کردند شروع به ترک آن ناحیه می‌کنند و فرار جمعی به محلات دیگر شهر یا به حومه شهر آغاز می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۶: ۶۰۸). بنابراین، پارک فرآیند شهرنشینی را در مقایسه با نظم زیستی مطرح می‌کند. او معتقد است که فشار جمعیت می‌تواند رقابت در سطح اجتماعی را تشدید کند و بنابراین تقسیم کار را متراکم‌تر و دقیق‌تر سازد.

- ورث؛ شهرنشینی به عنوان یک شیوه زندگی

ورث نیز از اندیشمندان مکتب شیکاگو است که به بررسی شهرنشینی به عنوان یک شیوه زندگی پرداخته است. او از ویژگی زندگی شهری امروز غیرشخصی بودن برخوردها و ناشناس بودن افراد برای هم دیگر را مطرح می‌کند. به دلیل تحرک زیادی که در بین ساکنان نواحی شهری وجود دارد، پیوندهای ضعیفی بین آنها برقرار است و رقابت بر همکاری غلبه دارد. ورث می‌پذیرد که تراکم زندگی اجتماعی در شهرها به تشکیل محلاتی می‌انجامد که دارای ویژگی‌های مشخصی هستند و بعضی از آنها ممکن است ویژگی‌های اجتماعات کوچک را حفظ کنند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۶۰۹). در واقع او معتقد است در اجتماعات کوچک که محلات را

تشکیل می‌دهند، گرایش به زندگی در نواحی شهری با ویژگی یافتن همانندی همراه است. که در این زمینه نواحی مهاجر نشین را مثال می‌زند. از نظر ورث افراد مهاجرنشین مکان‌هایی را برای زندگی انتخاب می‌کنند که دارای همسانی با آن‌ها باشند و ارتباطات سستی بین خود را حفظ کنند. همچنین از نظر او محیط شهری به علت ویژگی تراکم جمعیت و ناهمگونی فرصت‌هایی ویژه در اختیار فرد قرار می‌دهد. فرد این آزادی را پیدا می‌کند تا به شکوفایی خلاقیت‌ها و پرورش اندیشه خود بپردازد.

- کوین لینچ؛ خوانایی فضای شهری

لینچ استاد طراحی شهری و از بزرگترین نظریه پردازان در زمینه مطالعات شهری بود. وی در نظریات خود به مطالعه فضای شهری به عنوان قلمرویی برای زندگی و هویت یابی شهری می‌پرداخت. یکی از اساسی‌ترین مفاهیم نظری که لینچ مطرح کرد مفهوم «خوانایی» در فضای شهری بود که منظور از آن رابطه‌ای بود که بازیگران اجتماعی و شهروندان می‌توانستند به صورت بالقوه یا بالفعل با فضای شهری از طریق «قرائت» فضا برقرار کنند. این قرائت در واقع باید به شهرنشینان کمک کند تا خود را در فضا «بازیافته» در آن احساس «ایمنی» کرده و بتوانند کالبد خود را در آن هدایت کنند. لینچ معتقد بود که برای این کار نیاز به شناخت آهنگ‌ها و نقاط شاخصی وجود دارد که باید آنها را در فعالیت‌های روزمره زندگی شهری یافت: کار، مسکن، اوقات فراغت و وقایع روزمره (فکوهی، ۱۳۸۶: ۲۰۸) این دیدگاه لینچ به ارتباط بین موقعیت‌های شهری و احساس عاطفی شهروندان تاکید می‌کرد. به نظر او شرایط موجود در شهر، به دلیل «گم شدن» (احساس عدم تعلق) و «از دست دادن حس ایمنی» (احساس عدم امنیت اجتماعی) انسانها را به سوی اضطراب و افسردگی سوق می‌دهد. لینچ پنج عامل سازنده فضاهای شهری را که نقش اساسی در سیمای شهر دارند مشخص می‌کند:

- ۱- راه‌ها، که حرکات شهروندان و اشیا از خلال آنها انجام می‌شود.
- ۲- مرزها یا لبه‌ها، که حد فاصل دو یا چند فضای شهری هستند.
- ۳- محله‌ها، یعنی بخش‌هایی از فضای شهری که به صورت پهنه‌هایی دارای تجانس شکلی یا کارکردی مشاهده می‌شوند.

۴- گروه‌ها، یعنی نقاط استراتژیکی که در آن‌ها تقاطع به وجود می‌آید نظیر پایانه‌های حمل و نقلی، پل‌ها، ساختمان‌های اداری مرکزی و غیره.

۵- نشانه‌ها، یعنی نقاطی که دارای تراکم مشخصی از معانی نشانه‌شناختی در مجموعه نشانه‌های شهری هستند (فکوهی، ۱۳۸۶: ۲۰۹). لینچ در طراحی شهری هدف را رسیدن به توازنی میان این عوامل می‌داند، به صورتی که شهروندان در آن احساس تعلق کنند و خود را در شهر بزیابند.

-ریمون لودرو؛ شخصیت شهر

علاوه بر لینچ که در طراحی فضای شهری به مفهوم «هویت شهری» یا «شخصیت شهری» توجه می‌کند و به مسأله احساس تعلق اجتماعی شهروندان تاکید می‌کند، نظریه پردازان دیگری نیز به این نکته در زمینه مطالعات شهری پرداخته‌اند. از جمله آنها مطالعات لودرو در بحث شخصیت شهر است. او با توجه به نظریات مارکس ارتباط مفهوم «از خود بیگانگی» و حیات شهری را نشان می‌دهد.

در «شخصیت شهر» لودرو (۱۹۷۹) نوعی تداوم تاریخی را می‌بیند که به خصوص در شهرهای قدیمی نمایان است. قدیمی بودن به اعتقاد او نوعی احساس امنیت به شهروندان می‌دهد که حاصل احساس تداوم در زمان است. این رابطه، رابطه‌ای عاطفی و تجربه‌ای شخصی است که برای شهروندان مختلف می‌تواند به شدت متفاوت باشد. بنابراین، بازیگران اجتماعی بنا بر جنسیت، طبقه اجتماعی و تعلق‌های محلی خود می‌توانند شهر را به صورت‌های مختلف تجربه کرده و آن را در روابط معنایی و احساسی متفاوتی قرار دهند (فکوهی، ۱۳۸۶: ۲۱۵)

پیشینه پژوهش

بازسازی اجتماعی در شهر بر اساس مدل توسعه محله‌ای در چند دهه اخیر در برخی از کشورهای جهان در قالب طراحی شهری مورد توجه قرار گرفت. "در فرانسه در دهه ۱۹۷۰ نیاز شدید به ساختمان‌های انبوه، مسأله بازسازی مناسب تر، رعایت جنبه‌های هنری، معماری اجتماعی و غیره زمینه ساز طرح محله سازی گردید. فعالیت‌های جدید نوآوری معماری در

این دوره به محور "سکونت و حیات اجتماعی" بود. لذا سیاست جدید مبتنی بر "توسعه اجتماعی محله‌ها" توسط کمیسیون دابدوت در سال ۱۹۸۲ طراحی و به کار گرفته شد (ربانی، ۱۳۸۱: ۱۵۵). در واقع با رشد سرمایه داری جهانی و نیاز به برنامه‌ریزی برای مدیریت شهرهای بزرگ توجه تحلیلگران به تجربه‌گرایی و محله‌گرایی را مورد تأیید قرار داد. در گذشته گسترش شهرها بر اساس تراکم انسان‌ها و کالا و خدمات در نظر گرفته می‌شد، اما در بررسی‌های جدید شهری الگوهای روابط اجتماعی مورد توجه و بحث قرار گرفتند که به نظر می‌رسد این نگاه اجتماعی توسعه‌ای و گسترش محله‌ای با نتایج نظریات زیمل و بعضاً جامعه‌شناسان شهری آلمان و جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو بی‌ارتباط نبوده است.

کارکنان نصرآبادی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان شهر، هویت شهری و شهرداری‌ها؛ از محله‌گرایی تا جهانی شدن به بررسی رویکرد هویت شهری از نگاه محله‌گرایی پرداخته است. سؤال اصلی در این مقاله این است که با توجه به توسعه و گسترش روزافزون نقاط شهری در ایران، در ساخت و توسعه شهری و رویکردهای حاکم، ساختار فضاهای شهری، بر پایه کدامین محتوای فلسفی شکل می‌گیرند و اصولاً در توسعه شهری به کدامین بنیان‌ها و ابعاد هویت توجه شده است. از نگاه محله‌گرایانه این طور مطرح می‌کند که هر مرکز فرهنگی به نوعی مدیر وضعیت فرهنگی اطراف محله شهری خود است. در اینجا محله‌گرایی با دو بعد انس با محله و تعامل با نهادهای محلی در نظر گرفته شده است و با رویکردی انتقادی به عدم توجه رشته‌های شهرسازی به جنبه‌های اجتماعی - فرهنگی شهر و شهروندمداری پرداخته است.

مبارکی و صلاحی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان کیفیت خدمات شهری، تعهدات شهروندی و حس تعلق اجتماعی به مطالعه احساس تعلق اجتماعی بر مسائل جامعه به طور عام و انحرافات محلی به طور خاص پرداخته‌اند. در واقع احساس تعلق محصول روابط اجتماعی محسوس دانسته شده که توسط افراد جامعه درک می‌شود و تأثیرات زیادی می‌تواند روی آسیب‌های اجتماعی داشته باشد. هدف این تحقیق، بررسی و شناسایی نوع رابطه موضوع عملکرد شهرداری و تعهدات شهروندی با احساس تعلق اجتماعی در سطح محله است.

پیر بابایی و سجاذزاده (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی به موضوع تعلق جمعی به مکان پرداخته‌اند. حس تعلق مکان با دسته

بندی شاخص های مفاهیم ذهنی فرد از مکان و ساختارهای اجتماعی در سه رابطه روحی-روانی، اخلاقی و بیوگرافیکی مورد توجه قرار گرفته است و برنقش این عوامل بر روی هویت مکان و تعلق به آن تأکید شده است. دغدغه این پژوهش توجه به ارتباطات درونی و نیازهای افراد در طراحی های شهری برای تحقق سکونت اجتماعی بوده است.

ذاکریان و موسوی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در محلات شهری میداد از منظر توسعه پایدار به تحلیل فضایی توزیع خدمات و پراکنش جمعیت در بین محلات شهر میبد پرداخته اند. نتایج نشان داده که با توزیع متعادل خدمات در بین محلات با توجه به نیازهای جمعیتی می توان به تعادل در سطح محلات رسید. همچنین برقراری ارتباط منطقی و هماهنگ بین پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در محلات برای رسیدن به پایداری ضروری دانسته شده است.

معصومی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان توسعه محله ای؛ در راستای پایداری کلانشهر تهران به تحلیل توسعه محله ای شهر تهران پرداخته است. این پژوهش با دغدغه از هم پاشیدگی محلات و پیامدهای آن مانند احساس عدم تعلق، عدم اعتماد متقابل و مسئولیت پذیری در فعالیت های اجتماعی مشترک، و با هدف توسعه پایدار شهری انجام شده است. این پژوهش به بررسی کارکرد محله در چارچوب رویکرد مدیریت توسعه محله ای پایدار به منظور بهبود ساختار فضایی و ارتقاء سرمایه های اجتماعی انجام شده است. این پژوهش هویت در کنار مشارکت را حلقه مفقود جامعه می داند، که به احساس تعلق خاطر فرد و حس مسئولیت پذیری مانعی بزرگ برای امر مشارکت فعال در زمینه های مختلف در جامعه کنونی شهری دانسته شده است.

محمدی (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر تکوین ساختار محله و جایگاه آن در سازمان فضایی شهر ضمن بیان نقش و جایگاه محله در ساختار فضایی شهرها، عواملی نظیر ساختار تکوین، ساختار مدیریتی و ساختار فیزیکی آن در قالب عواملی چون؛ چگونگی تکوین، عوامل مؤثر در تداوم حیات محله، ترکیب اجتماعی، ساختار فیزیکی و خصوصیات کالبدی، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده است. این پژوهش به نقش برنامه ریزی های جمعی در طرح های جامع و احداث شهرهای جدید توجه کرده است.

فرضیه‌های تحقیق

- فرضیه اصلی:

به نظر می‌رسد عوامل اجتماعی بر گرایش محله‌ای جمعیت‌ها تاثیر دارد.

- فرضیه‌های فرعی:

۱- به نظر می‌رسد پایگاه اجتماعی افراد بر گرایش محله‌ای جمعیت‌ها تاثیر دارد.

۲- به نظر می‌رسد سبک زندگی افراد بر گرایش محله‌ای جمعیت‌ها تاثیر دارد.

۳- به نظر می‌رسد احساس امنیت اجتماعی افراد بر گرایش محله‌ای جمعیت‌ها تاثیر دارد.

۴- به نظر می‌رسد سابقه سکونت خانوار در محله بر حس تعلق و گرایش به محله تاثیر

دارد.

۵- به نظر می‌رسد نوع قومیت افراد بر حس تعلق و گرایش به محله تاثیر دارد.

۶- به نظر می‌رسد گرایش محله‌ای در مناطق جنوب شهر نسبت به مناطق شمالی بیشتر

است.

روش تحقیق

تحقیق پیرامون هر مسأله اجتماعی مستلزم به کارگیری روش خاص و متناسب با موضوع مورد بررسی است، تا از این طریق به اطلاعات و داده‌های مورد جهت تجزیه و تحلیل و رسیدن به اهداف اصلی تحقیق دست و محقق بتواند با اتکا و اعتماد به روش به کار گرفته شده از یافته‌های تحقیقاتی خود استفاده نماید و حاصل کار را به جامعه علمی عرضه دارد. در این تحقیق با تهیه پرسشنامه ساخت یافته از قبل به روش مصاحبه بسته عمل شده و علاوه بر روش مستقیم جمع آوری اطلاعات که به صورت مصاحبه انجام شده، از روش غیر مستقیم گرد آوری اطلاعات نیز در این پژوهش استفاده شده است. با توجه به اینکه جمع آوری اطلاعات از کل جامعه آماری به دلیل هزینه بر و وقت گیر بودن و عدم دسترسی به کل جامعه امکان پذیر نیست، با انتخاب بخشی از جمعیت آماری مورد بررسی، اقدام به گردآوری اطلاعات می‌شود و نتایج بدست آمده از نمونه به کل جامعه مورد مطالعه تعمیم داده می‌شود. در این پژوهش بر اساس حجم نمونه بدست آمده به تعداد ۳۸۳ نفر با توجه به انتخاب ۴ محله برای انجام نمونه‌گیری، بر حسب نسبت جمعیتی محله‌های مورد نظر، به دلیل اینکه نسبت جمعیتی بیشتری

به محله‌های انتخابی پایین شهر اختصاص داشت، ۲۰۰ نمونه از جمعیت حجم نمونه برای محله‌های منطقه ۱۶ و ۱۸۳ نمونه برای محله‌های منطقه ۱ در نظر گرفته شده است. که از همین میزان نیز در منطقه ۱۶، تعداد ۱۰۵ پرسشنامه به محله جوادیه و ۹۵ پرسشنامه به محله خزانه اختصاص داده شده است. در منطقه ۱ نیز ۱۰۰ پرسشنامه در محله قیطریه و ۸۳ پرسشنامه در محله تجریش نمونه گیری شده است. در این تحقیق برای سنجش اعتبار ابزار اندازه‌گیری از روش اعتبار صوری و برای برآورد پایایی از روش آلفای کربناخ استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش از هر دو آمار توصیفی و استنباطی جهت توصیف و تفسیر داده‌های جمع آوری شده و تحلیل نتایج حاصل از پژوهش استفاده گردیده است. با توجه به مقایسه‌ای بودن فرضیه اصلی پژوهش که گرایش محله‌ای جمعیت‌ها در دو منطقه شمالی و جنوبی تهران پرداخته است، از روش آزمون T جهت مقایسه نتایج حاصل از دو گروه مناطق مذکور استفاده شده است. همچنین برای بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده گردیده است.

- یافته‌های توصیفی

در متغیر سن به عنوان اولین متغیر توصیفی بیشترین میزان فراوانی به میزان ۲۸ درصد متعلق به رده سنی ۲۵-۳۴ سال و کمترین فراوانی به میزان ۳/۵ درصد به رده سنی ۷۵ سال به بالا تعلق دارد. در مورد جنسیت ۵۴ درصد پاسخگویان مرد و ۴۶ درصد زنان هستند. وضعیت زناشویی افراد نشان می‌دهد که ۷۲/۵ درصد افراد متأهل و ۲ درصد از زندگی مشترک طلاق گرفته‌اند. در مورد محل تولد افراد بیشترین میزان فراوانی محل تولد تعداد ۱۱۶ نفر و یا به میزان ۵۸ درصد متولد تهران و کمترین فراوانی ۸۴ نفر یا ۴۲ درصد متعلق به متولدان شهرستان است. همچنین یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که در مورد قومیت بیشترین میزان فراوانی، مربوط به قومیت ترک به تعداد ۱۲۸ نفر یا ۶۴ درصد است و پس از آن قومیت فارس به تعداد ۵۷ نفر یا ۲۸/۵ درصد بوده و کمترین میزان فراوانی مربوط به قومیت کرد با یک درصد بوده است.

بالا ترین میزان فراوانی در میان قومیت ترک نشان دهنده وجود ارتباط بین قومیت با گرایش و حس تعلق به محله است. در زمینه تحصیلات نیز بیشترین میزان فراوانی از نظر تحصیلات مربوط به سطح تحصیلات دیپلم به تعداد ۷۲ نفر یا به میزان ۳۶ درصد و پایین ترین میزان فراوانی مربوط به تحصیلات فوق لیسانس به تعداد ۱ نفر یا ۰/۵ درصد بوده است.

- یافته‌های استنباطی

۱- ضرایب رگرسیون منطقه ۱

جدول ۱- آزمون F

۰/۵۲۷	مقدار آزمون	آزمون F
۰/۰۰۳	سطح معناداری	

با توجه به نتایج جدول، سطح معناداری آزمون F کمتر از ۰/۰۱ است و در سطح ۰/۰۹۹ درصد اطمینان مورد تایید قرار گرفته است. این امر نشان دهنده این واقعیت است که متغیرهای وارد شده در مدل مورد بررسی اثر معناداری بر روی متغیر وابسته پژوهش دارند و قادرند تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند.

جدول ۲- ضرایب همبستگی و تعیین

مقدار	ضرایب
۰/۴۲۱	ضریب همبستگی چندگانه
۰/۳۸۹	ضریب تعیین تصحیح شده

جدول ضرایب همبستگی و تعیین نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه برابر ۰/۴۲۱ است و نشان دهنده وجود ارتباط بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته است. زیرا این ضریب بین ۰ و ۱ متغیر است و هر چه به ۱ نزدیکتر باشد نشان دهنده همبستگی بالا بین متغیرهاست. در نتایج جدول فوق مقدار ضریب تعیین تصحیح شده نیز در این رابطه ۰/۳۸۹ است. این ضریب هم بین ۰ و ۱ متغیر است و هر چه به یک نزدیکتر باشد، درصد بالای تعیین کنندگی تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر یا متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد. مقدار ضریب تعیین تصحیح شده

در این نتایج نشان دهنده این است که ۳۸ درصد از تغییرات تعلق محله‌ای در بین ساکنان این منطقه وابسته به متغیرهای سبک زندگی و امنیت اجتماعی و پایگاه اجتماعی بوده است.

جدول ۳- ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

متغیرها	انحراف معیار	بتا	مقدار t	سطح معنی داری
سبک زندگی	۰/۱۳۸	۰/۲۱۱	۰/۲۱۹	۰/۰۷۶
پایگاه اجتماعی	۰/۳۳۱	۰/۲۳۷	۰/۸۵۸	۰/۰۰۰
امنیت اجتماعی	۰/۰۹۵	۰/۰۸۱	۰/۶۰۷	۰/۵۱۱

در جدول فوق تاثیر هر متغیر بر متغیر وابسته به طور جداگانه مشخص شده و بر اساس سطح معناداری مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس ضرایب رگرسیونی متغیرهای فوق با متغیر وابسته (تعلق محله ای) نتایج نشان می دهد که متغیر پایگاه اجتماعی در سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد معنادار بوده و میزان خطای متغیر امنیت اجتماعی و سبک زندگی بیشتر از ۰/۰۵ درصد بوده است و بنابراین، این دو متغیر دارای رابطه معنادار نیستند.

۲- ضرایب رگرسیون منطقه ۱۶

جدول ۴-آزمون F

۸/۶۴۵	مقدار آزمون	آزمون F
۰/۰۰۱	سطح معناداری	

با توجه به نتایج جدول، سطح معناداری آزمون F کمتر از ۰/۰۱ است و در سطح ۰/۰۹۹ درصد اطمینان مورد تایید قرار گرفته است. این امر نشان‌دهنده این واقعیت است که متغیرهای وارد شده در مدل مورد بررسی اثر معناداری بر روی متغیر وابسته پژوهش دارند و قادرند تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند.

جدول ۵- ضرایب همبستگی و تعیین

مقدار	ضرایب
۰/۶۱۰	ضریب همبستگی چندگانه
۰/۵۰۱	ضریب تعیین تصحیح شده

جدول ضرایب همبستگی و تعیین نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه برابر ۰/۶۱۰ است و نشان دهنده ارتباط نسبتاً بالای بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته است. زیرا این ضریب بین ۰ و ۱ متغیر است و هر چه به ۱ نزدیکتر باشد نشان دهنده همبستگی بالا بین متغیرهاست. در نتایج جدول فوق مقدار ضریب تعیین تصحیح شده نیز در این رابطه ۰/۵۰۱ است. این ضریب هم بین ۰ و ۱ متغیر است و هر چه به یک نزدیکتر باشد، درصد بالای تعیین کنندگی تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر یا متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد. مقدار ضریب تعیین تصحیح شده در این نتایج نشان دهنده این است که ۵۰ درصد از تغییرات تعلق محله‌ای در بین ساکنان این منطقه وابسته به متغیرهای سبک زندگی و امنیت اجتماعی و پایگاه اجتماعی بوده است.

جدول ۶- ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

متغیرها	انحراف معیار	بتا	مقدار t	سطح معنی داری
سبک زندگی	۰/۱۷۶	۰/۱۵۰	۱/۸۱۰	۰/۰۵۳
پایگاه اجتماعی	۰/۳۳۸	۰/۳۲۴	۳/۹۲۳	۰/۰۰۰
امنیت اجتماعی	۰/۰۵۹	۰/۰۴۱	۰/۵۰۳	۰/۶۱۶

در جدول فوق تاثیر هر متغیر بر متغیر وابسته به طور جداگانه مشخص شده و بر اساس سطح معناداری مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس ضرایب رگرسیونی متغیرهای فوق با متغیر وابسته (تعلق محله‌ای) نتایج نشان می‌دهد که متغیر پایگاه اجتماعی و سبک زندگی در سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد معنادار بوده و میزان خطای متغیر امنیت اجتماعی بیشتر از ۰/۰۵ درصد بوده است و بنابراین، این متغیر دارای رابطه معنادار نبوده است.

۳- ضرایب رگرسیون هر دو منطقه

جدول ۷- آزمون F

۱۰/۴۸۰	مقدار آزمون	آزمون F
۰/۰۰۰	سطح معناداری	

با توجه به نتایج جدول، سطح معناداری آزمون F کمتر از ۰/۰۱ است و در سطح ۰/۰۹۹ درصد اطمینان مورد تایید قرار گرفته است. این امر نشان دهنده این واقعیت است که متغیرهای وارد شده در مدل مورد بررسی اثر معناداری بر روی متغیر وابسته پژوهش دارند و قادرند تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند.

جدول ۸- ضرایب همبستگی و تعیین

مقدار	ضرایب
۰/۵۷۸	ضریب همبستگی چندگانه
۰/۴۵۰	ضریب تعیین تصحیح شده

جدول ضرایب همبستگی و تعیین نشان می دهد که ضریب همبستگی چندگانه برابر ۰/۶۱۰ است و نشان دهنده ارتباط نسبتا بالای بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته است. زیرا این ضریب بین ۰ و ۱ متغیر است و هر چه به ۱ نزدیکتر باشد نشان دهنده همبستگی بالا بین متغیرهاست. در نتایج جدول فوق مقدار ضریب تعیین تصحیح شده نیز در این رابطه ۰/۵۷۸ است. این ضریب هم بین ۰ و ۱ متغیر است و هر چه به یک نزدیکتر باشد، درصد بالای تعیین کنندگی تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر یا متغیرهای مستقل را نشان می دهد. مقدار ضریب تعیین تصحیح شده در این نتایج نشان دهنده این است که ۵۷ درصد از تغییرات تعلق محله ای در بین ساکنان این منطقه وابسته به متغیرهای سبک زندگی و امنیت اجتماعی و پایگاه اجتماعی بوده است.

جدول ۹- ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

متغیرها	انحراف معیار	بتا	مقدار t	سطح معنی داری
سبک زندگی	۰/۰۸۷	۰/۳۵۱	۴/۵۹۱	۰/۰۰۰
پایگاه اجتماعی	۰/۲۳۰	۰/۲۸۶	۲/۴۰۷	۰/۰۱۷
امنیت اجتماعی	۰/۰۴۸	-۰/۰۳۱	۰/۵۱۴	۰/۶۰۷

در جدول فوق تاثیر هر متغیر بر متغیر وابسته به طور جداگانه مشخص شده و بر اساس سطح معناداری مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس ضرایب رگرسیونی متغیرهای فوق با متغیر وابسته (تعلق محله ای) نتایج نشان می‌دهد که متغیر پایگاه اجتماعی و سبک زندگی در سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد معنادار بوده و میزان خطای متغیر امنیت اجتماعی بیشتر از ۰/۰۵ درصد بوده است و بنابراین، این متغیر دارای رابطه معنادار نبوده است.

جدول ۱۰- مقایسه سطح معناداری به تفکیک مناطق

مناطق	متغیر پایگاه اجتماعی		متغیر امنیت اجتماعی		متغیر سبک زندگی	
	سطح معناداری	Beta	سطح معناداری	Beta	سطح معناداری	Beta
منطقه ۱	۰/۰۰۰	۰/۲۳۷	۰/۵۱۱	۰/۰۸۱	۰/۰۷۶	۰/۲۱۱
منطقه ۱۶	۰/۰۰۰	۰/۳۲۴	۰/۶۱۶	۰/۰۴۱	۰/۰۵۳	۰/۱۵۰

جدول فوق سطح معناداری در متغیرهای مختلف را به تفکیک مناطق بر اساس ضرایب رگرسیون مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد دو متغیر سبک زندگی و پایگاه اجتماعی در منطقه ۱۶ دارای رابطه معناداری بوده‌اند. و در منطقه ۱ تنها متغیر پایگاه اجتماعی دارای رابطه معنادار بوده است. و متغیر امنیت اجتماعی در هیچ یک از مناطق رابطه معناداری را نشان نمی‌دهد.

- نتایج مقایسه متغیرهای دو منطقه بر اساس آزمون T

در این جا فرض بر این است که بین سبک زندگی ساکنان منطقه یک و منطقه ۱۶ تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۱- مقایسه میانگین دو منطقه براساس متغیر سبک زندگی

مقدار t	میانگین سبک زندگی	سطح معناداری	درجه آزادی
-۲۴/۰۴۶	۹/۶۷۰	۰/۰۱۱	۳۳۶
	۱۶/۳۷۷		
			منطقه ۱
			منطقه ۱۶

با توجه به یافته‌های جدول فوق، از آنجایی که سطح معناداری ۰/۰۱۱ می‌باشد به دلیل اینکه از ۰/۰۵ کمتر است در نتیجه می‌توان گفت که بین سبک زندگی ساکنان منطقه ۱۶ و منطقه ۱ شهر تهران تفاوت معناداری وجود دارد. همان طور که در جدول نیز آمده میانگین سبک زندگی در منطقه یک ۹/۶۷ و در منطقه ۱۶ به میزان ۱۶/۳۷۷ می‌باشد که این تفاوت در میانگین دو متغیر بارز است. در این جا فرض بر این است که بین پایگاه اجتماعی ساکنان منطقه یک و منطقه ۱۶ تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۲- مقایسه میانگین دو منطقه براساس متغیر پایگاه اجتماعی

مقدار t	میانگین پایگاه اجتماعی	سطح معناداری	درجه آزادی
۱۵/۴۲	۱۰/۱۵۷۱	۰/۰۰۰	۲۸۵
	۷/۸۷۰۷		
			منطقه ۱
			منطقه ۱۶

با توجه به یافته‌های جدول فوق، از آنجایی که سطح معناداری ۰/۰۰۰ می‌باشد به دلیل اینکه از ۰/۰۵ کمتر است در نتیجه می‌توان گفت که بین پایگاه اجتماعی ساکنان منطقه ۱۶ و منطقه ۱ شهر تهران تفاوت معناداری وجود دارد. همان طور که در جدول نیز آمده میانگین پایگاه اجتماعی در منطقه یک ۱۰/۱۵ و در منطقه ۱۶ به میزان ۷/۸۷ می‌باشد که این تفاوت در میانگین دو متغیر بارز است. در این جا فرض بر این است که بین احساس امنیت اجتماعی ساکنان منطقه یک و منطقه ۱۶ تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۳- مقایسه میانگین دو منطقه براساس متغیر امنیت اجتماعی

مقدار t	میانگین امنیت اجتماعی	سطح معناداری	درجه آزادی
۸/۱۱۴	۲۵/۰۳۳	۰/۰۰۰	۳۴۴/۰۲
	۲۰/۴۱۲		
			منطقه ۱
			منطقه ۱۶

با توجه به یافته‌های جدول فوق، از آنجایی که سطح معناداری $0/000$ می‌باشد به دلیل اینکه از $0/05$ کمتر است در نتیجه می‌توان گفت که بین احساس امنیت اجتماعی ساکنان منطقه ۱۶ و منطقه ۱ شهر تهران تفاوت معناداری وجود دارد. همان طور که در جدول نیز آمده میانگین احساس امنیت اجتماعی در منطقه یک $25/03$ و در منطقه ۱۶ به میزان $20/41$ می‌باشد که این تفاوت در میانگین دو متغیر بارز است. در این جا فرض بر این است که بین احساس تعلق اجتماعی به محل زندگی در میان ساکنان منطقه یک و منطقه ۱۶ تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۴- مقایسه میانگین دو منطقه براساس متغیر تعلق اجتماعی به محل

مقدار t	میانگین تعلق اجتماعی	سطح معناداری	درجه آزادی
-۵/۳۱۴	۲۲/۰۱	۰/۰۰۰	۳۶۴
	۲۴/۶۰		
			منطقه ۱
			منطقه ۱۶

با توجه به یافته‌های جدول فوق، از آنجایی که سطح معناداری $0/000$ می‌باشد به دلیل اینکه از $0/05$ کمتر است در نتیجه می‌توان گفت که بین احساس تعلق اجتماعی ساکنان منطقه ۱۶ و منطقه ۱ شهر تهران تفاوت معناداری وجود دارد. همان طور که در جدول نیز آمده میانگین احساس تعلق اجتماعی در منطقه یک $22/01$ و در منطقه ۱۶ به میزان $24/60$ است که این تفاوت در میانگین دو متغیر بارز است.

- ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر وابسته و سابقه سکونت در محله

جدول ۱۵- همبستگی متغیر تعلق اجتماعی و سابقه سکونت در محله

تعلق اجتماعی		متغیر
ضریب همبستگی	سطح معناداری	
$0/321$	$0/000$	سابقه سکونت در محله

در اینجا فرض بر این است که سابقه سکونت در محله با احساس تعلق اجتماعی با محل ارتباط دارد. با توجه به نتایج جدول سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بوده و به معنی وجود رابطه معنادار بین دو متغیر است. معنی داری این دو متغیر در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ و اطمینان ۰/۹۹ است. میزان همبستگی نیز به مقدار ۰/۳۲۱ است که رابطه ضعیف و مستقیم بین دو متغیر را نشان می‌دهد. به این معنی که با بالارفتن سابقه سکونت در محل احساس گرایش محله‌ای به نسبت ضعیفی بالا خواهد بود.

بحث و نتیجه‌گیری

در برنامه ریزی‌های توسعه پایدار شهری توجه به زندگی شهری و پایداری محله‌ها به عنوان واحدهای اجتماعی که دارای اشتراک در ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، اقتصادی، و همبستگی در روابط متقابل هستند، از موضوعات مورد بحثی است که نیازمند مطالعات ساختاری توسط برنامه ریزان اجتماعی می‌باشد. از این رو با توجه به عدم پراکنش یکسان و ناموزون تراکم جمعیت در شهرها، که نتیجه گرایش‌های شهروندان برای زندگی در محله‌های شهری می‌باشد و چگونگی شکل‌گیری محیط‌های شهری را منجر می‌شود، مساله مورد نظر در این تحقیق توجه به عوامل موثر بر گرایش‌های جمعیت‌ها برای زندگی در محله‌های شهری بوده و از آنجایی که پایداری هر محله به حس تعلق و گرایش شهروندان ساکن در آن وابسته می‌باشد چگونگی عوامل موثر و میزان گرایش شهروندان با متغیر حس تعلق اجتماعی به محل سنجیده شده است. این واقعیت که تراکم جمعیت در زندگی مدرن شهری با حس تعلق و وابستگی به محل زندگی دارای رابطه می‌باشد از نتایج مورد بحث این پژوهش است. برحسب نتایج، محله‌های پرجمعیت و با سابقه سکونت بیشتر دارای حس تعلق بالاتری نسبت به محله‌های با تراکم جمعیت کمتر بودند. در این پژوهش با استفاده از این دیدگاه که تراکم جمعیت و تراکم اخلاقی با حس گرایش و تعلق به محل زندگی در ارتباط می‌باشد، به مطالعه مناطق شمالی و جنوبی شهر تهران بر حسب توجه به تفاوت در زندگی مدرن و سنتی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و تقابل فرهنگی پرداخته شده است. این واقعیت که در زندگی مدرن شهری با افزایش تراکم جمعیت، تراکم اخلاقی روبه کاهش گذاشته و فضای روابط اجتماعی

به سمت روابط محلی محدود و حس غریبگی رفته است، از موضوعات مورد توجه در این پژوهش می‌باشد.

بررسی‌ها اثبات می‌کند که گرایش‌ها و تعلقات محله‌ای در ابعاد اجتماعی و فیزیکی و در شاخص‌های تعلق عاطفی - روانی، تاریخی و زمانی، بیوگرافیکی و مکانی با رفتن زندگی شهری به سمت مدرنیته رو به کاهش گذاشته است. بر اساس مطالعات صورت گرفته و با توجه به مساله اصلی در تحقیق حاضر، به بررسی نقش و تاثیر عوامل اجتماعی همچون چگونگی سبک زندگی و سطح پایگاه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی پرداخته شده است. با توجه به نتایج توصیفی بدست آمده در نتیجه مطالعات پیمایشی انجام گرفته در دو منطقه شمال و جنوب شهر با توجه تفاوت در تراکم جمعیتی، سبک زندگی و پایگاه اجتماعی افراد ساکن در محلات مشاهده شد که در منطقه ۱ به عنوان منطقه منتخب شمالی سطح تحصیلات و مشاغل افراد در رده مدیران و متخصصان و تحصیلات بالای لیسانس قرار دارد و در منطقه ۱۶ شهری به عنوان منطقه منتخب جنوبی سطح تحصیلات افراد و مشاغل آنها در رده کارمندان تا کارگران غیرماهر با سطح تحصیلات دیپلم و لیسانس به پایین مشاهده شد. از نظر بعد خانوار (تعداد افراد یک خانوار) در مقایسه با منطقه یک، ساکنان منطقه ۱۶ تعداد بیشتری در هر خانواده به طور متوسط زندگی می‌کردند. از نظر احساس تعلق با محیط زندگی از ابعاد عاطفی، مکانی، بیوگرافیکی، وابستگی عاطفی بیشتری با همسایگان و با محل زندگی، در میان ساکنان منطقه ۱ دیده شد، گرچه لازم به ذکر است به طور کل نتایج تحقیق، حس تعلق پایینی را در میان شهروندان نشان می‌دهد که این نکته نکته‌ای قابل توجه برای برنامه ریزان اجتماعی شهری است که برای پایداری محله با هدف توسعه پایدار شهری به مساله حس تعلق و بالابردن آن در میان شهروندان توجه شود. در این تحقیق با سنجش شاخص پایگاه اجتماعی و مقایسه دو گروه مورد بررسی، نتایج تفاوت بارز در پایگاه اجتماعی - اقتصادی را نشان می‌دهد. بر اساس مطالعات انجام گرفته میزان احساس امنیت در انتخاب و گرایش ساکنان به محلات تاثیر دارد. گرچه بر اساس نتایج بدست آمده در منطقه ۱۶ میزان امنیت اجتماعی پایین تری نسبت به منطقه یک احساس می‌شد، ولی براساس نتایج کلی ساکنان هر دو منطقه احساس امنیت متوسط و روبه بالایی نسبت به محیط زندگی خود داشتند و این تاییدی بر این دیدگاه است که

احساس وجود امنیت بالاخص در ابعاد ذهنی و روانی بر گرایش جمعیت‌ها به انتخاب محل سکونت نقش دارد. هم‌چنین برای یافتن ارتباط حس تعلق و گرایش‌های جمعیت‌ها با سبک زندگی افراد به مطالعه این شاخص مهم زندگی شهری نیز پرداخته شد. سبک زندگی در تحقیق حاضر با دو بعد سنتی و مدرن و با شاخص‌های مذهبی، فرهنگی و خانوادگی مورد بررسی قرار گرفته است. در بعد فرهنگی به چگونگی استفاده از وسایل زندگی مدرن پرداخته شده که تفاوت‌ها در میان دو گروه مورد بررسی دو سبک زندگی مدرن و سنتی را نشان می‌دهد. از بعد خانوادگی و مذهبی نیز پوشش زنان و دختران خانواده و تمایل به سفر زیارتی مورد بررسی قرار گرفته است که بر اساس نتایج، وجود تفاوت در دو جهت مخالف هم در دو منطقه مذکور تأییدی بر وجود ارتباط بین سبک زندگی و گرایش به محل زندگی است. واقعیت این است که گرایش افراد برای انتخاب محل زندگی خود، تنها عناصر فیزیکی را در بر نمی‌گیرد و یگانگی اجتماعی نیز از ابعاد مختلف هم‌چون سبک زندگی در انتخاب و گرایش آنها برای گزینش محل سکونت دخالت دارد. هم‌چنین بر اساس نتایج بدست آمده، تعداد سال‌های سکونت افراد در یک محل نیز با تقویت حس تعلق و گرایش به زندگی در یک محله در ارتباط می‌باشد و این امر رابطه معناداری را نشان می‌دهد. با استفاده از آمار استنباطی و با روش مقایسه میانگین دو گروه مستقل متغیرهای مستقل و وابسته در این پژوهش در بین دو منطقه مورد مقایسه قرار گرفتند. در نتیجه یافته‌های تحلیل میانگین هر دو گروه (دو منطقه) از نظر سبک زندگی، پایگاه اجتماعی، امنیت اجتماعی و گرایش (تعلق اجتماعی به محل) دارای تفاوت معنادار و تفاوت در میانگین بودند. با استفاده از ضرایب رگرسیون نیز همبستگی و ارتباط متغیرهای مستقل تحقیق با وابسته مورد سنجش قرار گرفت که بر اساس نتایج بدست آمده در منطقه یک، ۳۸ درصد تغییرات وابسته (تعلق محله ای) در نتیجه متغیرهای مستقل بوده است. در منطقه ۱۶ نیز نتایج نشان می‌دهد که ۵۰ درصد تغییرات متغیر وابسته (تعلق محله ای) در نتیجه متغیرهای مستقل بوده است. نتایج ضریب رگرسیون هر دو منطقه نشان می‌دهد که ۴۵ درصد تغییرات متغیر وابسته در نتیجه تغییرات متغیرهای مستقل بوده است و در سطح معناداری نیز نتایج کلی نشان داد که متغیر سبک زندگی و پایگاه اجتماعی دارای رابطه معناداری با متغیر وابسته (تعلق محله ای) می‌باشند. در کل دو متغیر سبک زندگی و پایگاه

اجتماعی دارای رابطه معنادار با حس تعلق محله‌ای هستند و ساکنان هر دو منطقه احساس امنیت اجتماعی بالایی نسبت به محل سکونت خود دارند. ساکنان هر یک از مناطق از نظر پایگاه اجتماعی و سبک زندگی، متناسب با محیط زندگی خود هستند و تعداد سال‌های سکونت با تقویت حس تعلق و گرایش به زندگی در محل دارای رابطه معناداری است. همچنین نتایج حس تعلق نشان از تعلق پایین ساکنان هر دو منطقه دارد که این امر نکته‌ای است که باید مورد توجه برنامه ریزان شهری در جهت پایداری محله با هدف توسعه پایدار شهری قرار گیرد. به عنوان پیشنهاد در خصوص واحدهای فضای شهری نوساز که بافت جدیدی در شهر را تشکیل می‌دهند می‌توان با ایجاد واحدهای همسایگی و خرده فرهنگ‌های درون محله در یک محله واحد با هدف تقویت حس تعلق مدیریت ساختارمند و سلسله مراتبی را از نظر قشربندی، گروه‌های سنی و جمعیتی ایجاد کرد و با حد مطلوب گسترش واحدهای محلی به هدف توسعه پایدار محله‌ای نزدیک شد. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود جهت مطالعات آینده در زمینه محله‌های شهری و بهبود مدیریت محله‌ها به نکات پیشنهادی زیر توجه گردد:

- توجه به عوامل موثر بر تعلق محله‌ای و تقویت گرایش محله‌ای در ساکنان محله‌های

شهری

- توجه به ارتباط نظام مند میان عناصر اجتماعی و فیزیکی محله‌ها جهت مدیریت موفق در

واحد شهری

- ایجاد و گسترش مشارکت اجتماعی و تشکیلات محله‌ای جهت تقویت حس همبستگی

و هویت در محله

- ایجاد واحدهای همسایگی و خرده فرهنگ‌های درون محله در یک محله واحد با هدف

تقویت حس تعلق برای رسیدن به توسعه پایدار محله‌ای

- توزیع متناسب خدمات و امکانات فضایی شهری با توجه به عوامل تاثیر گذار بر گرایش

محله‌ای جمعیت‌ها.

منابع

۱- بوردیو، پ؛ (۱۳۸۰)، نظریه کنش، دلایل علمی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی

مردیها، تهران، نشر نقش و نگار

- ۲- پاکزاد، جهانشاه؛ (۱۳۷۵)، هویت و این همانی با فضا، تهران، نشر صفا
- ۳- پیربابایی، محمد تقی. سجاد زاده، حسن؛ (۱۳۹۰)، تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی، مجله باغ نظر، سال هشتم، شماره شانزدهم
- ۴- توسلی، غلامعباس؛ (۱۳۷۹)، جامعه شناسی شهری، تهران، نشر دانشگاه پیام نور
- ۵- توسلی، غلامعباس؛ (۱۳۸۴)، امنیت اجتماعی با نگرش محله ای، نشریه نامه پژوهش، شماره نهم، تهران
- ۶- خاکساری، علی؛ (۱۳۸۵)، محله‌های شهری در ایران، چاپ اول، تهران، نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۷- دویران، اسماعیل؛ (۱۳۷۸)، نقش جمعیت در برنامه ریزی شهری؛ نمونه موردی: شهر زنجان، نشریه علوم اجتماعی، فصلنامه جمعیت شماره ۶۵-۶۶
- ۸- دیکنز، پیتز؛ (۱۳۷۷)، جامعه شناسی شهری؛ جامعه اجتماعی محلی و طبیعت انسانی، ترجمه حسین بهروان، چاپ اول، مشهد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۹- دیورینگ، سایمون؛ (۱۳۸۲)، مطالعات فرهنگی، ترجمه نیما ملک محمد و شهریار وقفی پور، تهران، شابک
- ۱۰- ذاکریان، ملیحه. موسوی، میرنجف. باقری کشکولی، علی؛ (۱۳۸۹)، تحلیلی بر پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در محلات شهری از منظر توسعه پایدار، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال اول، شماره دوم
- ۱۱- ربانی، رسول؛ (۱۳۸۱)، جامعه شناسی شهری، چاپ اول، اصفهان، نشر دانشگاه اصفهان
- ۱۲- ربانی، رسول. انصاری، ابراهیم؛ (۱۳۸۵)، جامعه شناسی قشرها و نابرابری اجتماعی، اصفهان، نشر سمت
- ۱۳- رفیع پور، فرامرز؛ (۱۳۸۰)، آناتومی جامعه، چاپ دوم، تهران، نشر سهامی انتشار
- ۱۴- رفیعیان، مجتبی. خدایی، زهرا؛ (۱۳۸۹)، شهروندان و فضاهای عمومی شهری، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی
- ۱۵- رنه شورت، جان؛ (۱۳۸۸)، نظریه شهری؛ ارزیابی انتقادی، ترجمه کرامت .. زیاری و دیگران، تهران، نشر دانشگاه تهران

- ۱۶- ساوج، مایک. وود، آلن؛ (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی شهری، ترجمه ابوالقاسم پوررضا، تهران، نشر سمت
- ۱۷- شیخی، محمدتقی؛ (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی شهری، چاپ ششم، تهران، نشر سهامی انتشار
- ۱۸- صدری، حسین؛ (۱۳۸۵)، بررسی نقش فضاهای شهری در توسعه و دموکراسی، اولین همایش بین‌المللی شهربرتر طرح برتر، سازمان عمران شهرداری همدان
- ۱۹- فاضلی، محمد؛ (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، چاپ اول، قم، نشر صبح صادق
- ۲۰- فکوهی، ناصر؛ (۱۳۸۶)، انسان‌شناسی شهری، چاپ چهارم، تهران، نشرنی
- ۲۱- فیالکوف، یانکل؛ (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی شهری، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، چاپ چهارم، تهران، نشرآگه
- ۲۲- کارکنان نصرآبادی، محمد؛ (۱۳۸۹)، محله‌گرایی تا جهانی شدن، مجله شهرداری‌ها، سال نهم، شماره ۸۹
- ۲۳- کریمی، وهاب؛ (۱۳۸۸)، امنیت اجتماعی و جمعیت، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی
- ۲۴- کوئن، بروس؛ (۱۳۸۱)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی، رضا فاضل، تهران، انتشارات سمت
- ۲۵- کوزر، لوییس؛ (۱۳۸۳)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات علمی
- ۲۶- گیدنز، آنتونی؛ (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی
- ۲۷- لینچ، کوین (۱۳۷۶)، تئوری شکل خوب شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران، نشر دانشگاه تهران
- ۲۸- لینچ، کوین؛ (۱۳۵۵) سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، چاپ سوم، تهران، نشر دانشگاه تهران
- ۲۹- مدنی پور، علی؛ (۱۳۸۱)، تهران؛ ظهوریک کلان شهر، ترجمه حمید زرآزوند، چاپ اول، تهران، انتشارات پردازش و برنامه ریزی

- ۳۰- محمدی، جمال؛ (۱۳۸۱)، تحلیلی بر تکوین ساختار محله و جایگاه آن در سازمان فضایی شهر، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز، شماره دهم
- ۳۱- معصومی، سلمان؛ (۱۳۸۹)، توسعه محله‌ای در راستای پایداری کلانشهر تهران، تهران، نشر جامعه فرهنگ
- ۳۲- ممتاز، فریده؛ (۱۳۹۰)، جامعه شناسی شهری، چاپ ششم، تهران، سهامی انتشار
- ۳۳- نوابخش، مهرداد؛ (۱۳۸۶)، دیپلماسی رسانه‌ای به مثابه ابزار سیاست خارجی، پژوهش نامه رسانه؛ ویژه سبک زندگی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، شماره ۱۰
- ۳۴- مبارکی محمد، صلاحی سمیه. کیفیت خدمات شهری، تعهدات شهروندی و حس تعلق اجتماعی. رفاه اجتماعی. ۱۳۹۲؛ ۱۳ (۵۰): ۲۷۵-۳۱۵
- ۳۵- رستمی، مریم؛ (۱۳۹۰)، نقش عوامل جمعیت شناختی در شکل گیری هویت محلی در شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران مرکز
- 36- Simmel, G. (1990) *The philosophy of Money*, Tom Bohomer & david frisby
37- (Transe), *Seconden larged Ed*, new York: Routedge.
38- Wekerle and whitzmann (1995) *safe cites: Guide lines for planning Desing and Manage mant*, United states of America: van Nostraved Reien hold
39- Hiller, B. (1961), *Cities as Movement Systems*, Urban Design International, 1.
40- Bachelard, G. (1969). *The poetics of space*, Boston: Beacon press.